گزارش

معاون اول رئیس‌جمهور
در نشست شورای نخست‌وزیران سازمان همکاری شانگهای:

حمله اسرائیل به ایران مصداق جنایت علیه بشریت است

شرق: اجلاس نخست‌وزیران سازمان همکاری شانگهای در مسکو، در حالی برگزار شد که سایه تحولات امنیتی منطقه و تنش‌های فزاینده بین‌المللی بر مباحث رسمی نشست سنگینی می‌کرد. ایران به‌عنوان عضو دائم این سازمان، با موضع‌گیری صریح و طرح مجموعه‌ای از پیشنهادهای اقتصادی-فناورانه، تلاش کرد جایگاه خود را به‌عنوان بازیگری فعال و نه صرفا سیاسی تثبیت کند. محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، در دو سخنرانی جداگانه در نشست اصلی و نشست محدود، هم‌زمان از جنایات اسرائیل و حملات به تأسیسات صلح‌آمیز ایران انتقاد و بر ضرورت اصلاح ساختار همکاری‌های اقتصادی شانگهای و گذار به اجرای طرح‌های عملیاتی تأکید کرد. مجموعه سخنان او نشان می‌دهد تهران می‌کوشد نقش خود را از یک عضو تازه‌وارد به یک محرک فعال هم‌گرایی اقتصادی و فناورانه تبدیل کند؛ نکته‌ای که در این دوره از اجلاس شانگهای به‌وضوح برجسته بود.

معاون اول رئیس‌جمهور در نشست شورای نخست‌وزیران سازمان همکاری شانگهای گفت: جهان امروز دگرگونی‌های عمیق سیاسی، اقتصادی و فناوری را تجربه می‌کند. نظام بین‌المللی در حال گذار به مرحله‌ای تازه است؛ مرحله‌ای که در آن رشد اقتصادهای نوظهور، تحولات فناورانه و افزایش تعاملات منطقه‌ای، چهره جدیدی از صحنه بین‌المللی را رقم می‌زند. نظام بین‌المللی مبتنی بر یک‌جانبه‌گرایی، دیگر با واقعیت‌های نوین جهان همخوانی ندارد. در همین باره، ضمن محکوم‌کردن مجدد حملات تجاوزکارانه اسرائیل به ایران که با حمایت و همراهی آمریکا صورت گرفت و شاهد بی‌عملی شورای امنیت سازمان ملل متحد بودیم، تأکید می‌کنم که حمله به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، کشتار بی‌رحمانه غیرنظامیان و عملیات جنایت‌کارانه علیه نیروهای نظامی خارج از مأموریت، استادان دانشگاه و کشتن زنان و کودکان و شهروندان عادی، نقض فاحش موازین بین‌المللی و مصداق جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی است.

اگرچه جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر تبعات یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و نیز جنایات رژیم صهیونیستی است، بااین‌حال ما از وظایف و مسئولیت‌های خود به‌عنوان یک بازیگر فعال، جدی و اثرگذار در عرصه مناسبات اقتصادی و توسعه‌ای چندجانبه و منطقه‌ای غافل نبوده و نیستیم.

او ادامه داد: جمهوری اسلامی ایران همواره از چندجانبه‌گرایی واقعی، احترام به منشور ملل متحد و مقابله با سوءاستفاده از نهادهای بین‌المللی حمایت کرده است. ایران معتقد است امنیت، توسعه و عدالت جهانی فقط از طریق همکاری برابر ملت‌ها و پایان‌دادن به سیاست تحریم و فشار حاصل می‌شود. در این راستا، وضعیتی که مردم مظلوم غزه با تحمیل قحطی و گرسنگی از سوی رژیم صهیونیستی مواجه هستند، مصداق بارز جنایت علیه بشریت و ادامه نسل‌کشی بوده و به‌شدت محکوم است. ما نیازمند تاب‌آوری‌های جمعی در مقابل شوک‌های آینده هستیم. شوک‌هایی همچون ناامنی انرژی، ناامنی غذایی، تغییرات اقلیمی، تهدیدات ناشی از فناوری‌های جدید و خطرات رو به افزایش ناشی از انحصار و سیطره موجود در نظام‌های مالی و پولی جهانی را نمی‌توان نادیده گرفت، لذا نیازمند حرکت جمعی به سوی درهم‌تنیدگی اقتصادی و شکل‌دهی به اقتصادهای تاب‌آور ملی و منطقه‌ای هستیم. عارف در بخشی دیگر از سخنانش گفت: در این میان، سازمان همکاری شانگهای باید به یکی از موتورهای محرک هم‌گرایی اقتصادی در منطقه تبدیل شود. ظرفیت‌های گسترده انسانی، منابع غنی طبیعی، موقعیت جغرافیایی راهبردی و زیرساخت‌های رو به توسعه در میان اعضای این سازمان، فرصت‌های کم‌نظیری برای گسترش همکاری‌ها در اختیار ما قرار داده است.

همچنین معاون اول رئیس‌جمهور در سخنرانی خود در نشست محدود که در حاشیه اجلاس شانگهای با حضور سران شرکت‌کننده در این اجلاس برگزار شد، پیشنهاد کرد سازمان همکاری شانگهای به مرحله عملیاتی‌سازی طرح‌های اقتصادی و فناوری ورود کند: «معتقدیم سازمان ما به بلوغ کافی درباره ضرورت ایجاد یک سیستم مستقل مالی و بانکی رسیده است و برای تأمین امنیت مالی خود، باید ایده‌های موجود را عملیاتی کند. در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران از ایجاد «بانک توسعه سازمان همکاری شانگهای» به‌عنوان یک نهاد مالی مشترک برای تأمین منابع مالی پروژه‌های زیرساختی و توسعه‌ای و نیز ایجاد سازوکارهای پولی و بانکی ازجمله تسویه‌حساب میان کشورهای عضو سازمان و کاهش وابستگی اعضا به نظام‌های مالی غیرمنصفانه جهانی، حمایت کامل می‌کند».

او ادامه داد: اتحادیه بین‌بانکی سازمان همکاری شانگهای نیز سازوکار مؤثری برای گسترش همکاری‌های مالی میان اعضاست. ضروری است روند عضویت بانک معرفی‌شده از سوی جمهوری اسلامی ایران در این اتحادیه تسریع شود. ما معتقدیم این نهاد می‌تواند به یکی از محورهای اصلی پشتیبانی مالی از پروژه‌های مشترک و تأمین سرمایه زیرساختی در چارچوب سازمان بدل شود. جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد در حوزه اتصال سامانه‌های بانکی، توسعه همکاری‌های فین‌تک و تسهیل تبادلات مالی و اعتباری میان اعضا، همکاری نزدیک و سازنده‌ای برقرار کند. همچنین با هدف توسعه بسترهای مالی مدرن و امن سازمان، پیشنهاد می‌شود یک رمزارز مشترک مبتنی بر فناوری بلاک‌چین و هوش مصنوعی طراحی شود. اجرائی‌کردن این ایده می‌تواند روند تبادلات اقتصادی میان اعضای سازمان را تسهیل کرده و سطح اعتماد و شفافیت را ارتقا دهد و نقشی کلیدی در تقویت هم‌گرایی منطقه‌ای و تحقق اهداف توسعه پایدار سازمان همکاری شانگهای ایفا کند. همچنین، لازم است اعضای سازمان برای معرفی مکانیسم جدید و کارآمدتر برای پیام‌رسانی بین بانکی با یکدیگر همکاری و تعامل جدی داشته باشند.

عارف در ادامه سخنانش تأکید کرد: تحولات اخیر، اهمیت ایجاد زنجیره‌های تأمین پایدار و تاب‌آور را دوچندان کرده است. برخی قدرت‌ها درصدد تسلط بر گلوگاه‌های حمل‌ونقل و تجارت جهانی هستند؛ لذا اعضای سازمان شانگهای برای تضمین تاب‌آوری و امنیت زنجیره‌های تأمین خود باید با شناسایی نقاط ضعف، از ظرفیت و توان اعضای خود برای ایجاد مسیرهای قابل اتکا و خارج از نفوذ عوامل خارجی و اخلالگر استفاده کنند. جمهوری اسلامی ایران آماده و علاقه‌مند به چنین همکاری‌ای برای توسعه کریدورهای حمل‌ونقلی مستقل از نفوذ عوامل خارجی است. ایران آماده همکاری برای توسعه کریدورهای حمل‌ونقلی امن و کارآمد است. ما توسعه و تکمیل کریدور بین‌المللی شمال-جنوب و مسیرهای شرقی-غربی را در اولویت قرار داده‌ایم. اتصال بندر چابهار به شبکه ریلی ملی و بین‌المللی در کنار مسیر ریلی رشت-آستارا، ظرفیت‌های جدیدی برای ترانزیت و تجارت منطقه‌ای فراهم خواهد کرد. ایران به‌عنوان امین موافقت‌نامه کریدور شمال-جنوب، آماده همکاری برای ایجاد سازوکار چندجانبه مدیریت و تسهیل تردد در این مسیر است. جمهوری اسلامی ایران همچنین بر اهمیت همکاری‌های جمعی برای صیانت از منابع انرژی و تأمین امنیت انرژی جهانی تأکید دارد و همواره سیاست چندجانبه‌گرایی در این حوزه را دنبال کرده است. ایران به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان اصلی نفت و گاز، به‌طور فعال در تدوین و اجرای سند راهبرد انرژی سازمان همکاری شانگهای مشارکت داشته و از آن حمایت می‌کند. در عین حال، جمهوری اسلامی ایران قاطعانه با تحریم‌های ظالمانه و یک‌جانبه، مخالف است و آن را عاملی مخل امنیت انرژی جهانی و زیان‌بار برای اقتصاد بین‌الملل می‌داند.

نامه رئیس‌جمهوری ایران در آستانه سفر محمد بن‌سلمان به آمریکا و بازتعریف موازنه منطقه‌ای

پیام پای پرواز

عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری

وحیده کریمی: در آستانه سفری که می‌تواند یکی از مهم‌ترین فصل‌های مناسبات ریاض و واشنگتن را رقم بزند، خبرگزاری رسمی عربستان از دریافت پیام مکتوب مسعود پزشکیان برای محمد بن‌سلمان خبر داد. پیامی که درست هم‌زمان با عزیمت ولیعهد سعودی به آمریکا تحویل داده شد و همین هم‌زمانی، موجی از گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای را درباره احتمال نقش‌آفرینی عربستان در تنش‌زدایی تهران و واشنگتن برانگیخت. بااین‌حال، در روایت رسمی سخنگوی دولت ایران هیچ اشاره‌ای به مأموریت میانجیگری دیده نمی‌شود. همین فاصله میان برداشت رسانه‌ها و متن رسمی پیام، خود نشانه‌ای از مرحله حساس روابط ایران و عربستان است؛ مرحله‌ای که در آن، هر حرکت دیپلماتیک می‌تواند در فضایی مملو از بازیگران ثالث، تعبیر و تفسیرهای چندلایه ایجاد کند.

رابطه ویژه محمد بن‌سلمان و دونالد ترامپ، از زمان حضور ترامپ در کاخ سفید، یکی از ستون‌های اصلی سیاست خارجی عربستان بوده است. همین رابطه است که احتمال نقش‌آفرینی ریاض در میانجیگری میان ایران و آمریکا را افزایش می‌دهد. اگر تهران بتواند با هوشمندی فضای جدید را مدیریت کند و نقش عربستان را به‌عنوان تسهیل‌کننده گفت و گو ها ی غیرمستقیم بپذیرد، ممکن است مسیر مذاکرات هسته‌ای که متوقف مانده، دوباره گشوده شود

در سال‌های اخیر، سیاست خارجی ایران بار دیگر در نقطه‌ای ایستاده که کیفیت تصمیم‌سازی در آن مسیر اصلی روابط منطقه‌ای را شکل می‌دهد. تجربه احیای روابط تهران و ریاض که پس از سال‌ها خصومت و خسارات امنیتی و اقتصادی اتفاق افتاد، اکنون آزمونی پیش‌روی دو کشور گذاشته است که آیا این نزدیکی، فراتر از نمادسازی سیاسی، به یک سازوکار پایدار امنیتی و اقتصادی تبدیل خواهد شد یا اینکه با نخستین نوسان در معادلات واشنگتن و تل‌آویو دوباره به چرخه بی‌اعتمادی بازمی‌گردد؟ امروز، روندهای مثبت اخیر، از سفر هیئت سعودی به تهران تا فعال‌شدن دوباره سفارتخانه‌ها و آغاز پروژه‌های مشترک، فقط زمانی به یک «فرصت راهبردی» تبدیل می‌شوند که در قالب برنامه‌های بلندمدت مالی، امنیتی و ارتباطی نهادینه شوند.

ردوبدل‌شدن پیام پزشکیان و ولیعهد سعودی، از این منظر بخشی از سازوکار تثبیت همین مرحله جدید است. طبق گزارش واس، این پیام در جریان دیدار علی‌رضا رشیدیان، رئیس سازمان حج و زیارت ایران، با عبدالعزیز بن‌سعود بن‌نایف، وزیر کشور عربستان، تحویل داده شد؛ دیداری که علی‌رضا عنایتی، سفیر ایران در ریاض نیز در آن حاضر بود. توضیح رسمی سخنگوی دولت نشان می‌دهد که محتوای پیام کاملا در چارچوب مناسک حج و تقدیر از همکاری‌های عربستان در تسهیل امور حجاج ایرانی بوده است. فاطمه مهاجرانی تأکید کرده که در پیام رئیس‌جمهور ایران، قدردانی ویژه‌ای از هماهنگی‌های عربستان ابراز شده و بر اهمیت تداوم فضای همکاری در حوزه‌های مشترک تأکید شده است. پیام ظاهرا سیاسی نبود، اما زمان‌بندی آن ناگزیر بار سیاسی دارد؛ به‌ویژه حالا که محمد بن‌سلمان قرار است در واشنگتن درباره مدل جدید امنیتی منطقه گفت‌وگو کند. این نخستین بار نیست که تحلیلگران منطقه، پس از احیای روابط تهران و ریاض، از امکان نقش‌آفرینی عربستان در کاهش تنش میان ایران و آمریکا سخن می‌گویند. رسانه‌های آمریکایی در ماه‌های گذشته چندین بار اشاره کرده‌اند ریاض -که پیامدهای تقابل تهران و واشنگتن را برخلاف منافع خود می‌بیند- تلاش دارد از روابط استثنائی خود با دونالد ترامپ استفاده کند تا امکان نوعی گفت‌وگو یا گذار از بن‌بست هسته‌ای را فراهم کند. به‌ویژه در شرایطی که جنگ غزه، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و تحولات نفتی، فشار بر عربستان را افزایش داده است، ریاض انگیزه بیشتری برای کاهش تنش در اطراف خود دارد.

احیای روابط تهران و ریاض در اسفند ۱۴۰۱، با امضای توافقی میان علی شمخانی و همتای سعودی‌اش در پکن، نقطه عطفی در سیاست منطقه‌ای ایران بود؛ نقطه‌ای که نه‌فقط نشان داد بازیگران منطقه قادرند بدون تکیه بر قدرت‌های فرامنطقه‌ای بحران‌ها را مدیریت کنند، بلکه یادآور سنت دیپلماتیک دهه ۷۰ در ایران بود؛ همان دوره‌ای که اولویت، حل اختلافات از مسیر گفت‌وگو و مدیریت تهدید از طریق گفت‌وگوهای پشت پرده و کانال‌های موازی بود. بازگشت شمخانی به صحنه، این بار در مقام دبیر شورای عالی امنیت ملی، نشانه‌ای از تداوم همان روش بود؛ رویکردی که به‌جای اتکا بر بازدارندگی نظامی، بر کاهش سوءتفاهم‌های امنیتی و فعال‌سازی ظرفیت‌های هویتی و فرهنگی تأکید می‌کند.

در حافظه دیپلماسی عربی-ایرانی، نقش لایه‌های غیررسمی و هویتی همواره برجسته بوده است. در اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران در سال ۱۳۷۶، تعامل شمخانی با امیر عبدالله بن‌عبدالعزیز نقطه آغازی شد برای دورانی از اعتماد نسبی میان دو کشور. تسلط برخی مقامات ایرانی بر زبان و فرهنگ عربی، همیشه یکی از مزیت‌های پنهان روابط ایران و عربستان بوده؛ مزیتی که می‌تواند پل ارتباطی میان دو پایتخت در زمان‌های بحران باشد. درک این لایه‌های فرهنگی و تاریخی، به‌ویژه برای نسل جدید سیاست‌گذاران ایرانی و سعودی، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا روابط دو کشور در ۴۵ سال گذشته میان دو قطب دوستی و خصومت در نوسان بوده و هر حرکت کوچک می‌تواند بر ادراک طرف مقابل تأثیر بگذارد.

اصل ماجرا این است که روابط ایران و عربستان، برخلاف بسیاری از روابط دوجانبه در خاورمیانه، فقط تابع رفتار دولت‌ها نیست؛ جغرافیا، هم‌جواری، نزدیکی مذهبی، وابستگی‌های اقتصادی و تعادل قدرت منطقه‌ای، نوعی الزام ساختاری برای همکاری ایجاد کرده است. حتی در سخت‌ترین لحظه‌ها هم یک توافق نانوشته برای «جلوگیری از فروپاشی کامل رابطه» بین دو کشور وجود داشته است. از نگاه بسیاری از تحلیلگران، ایران و عربستان نه‌تنها نیازمند یک توافق تاکتیکی، بلکه نیازمند یک توافق‌نامه استراتژیک بلندمدت‌اند؛ توافقی که همکاری امنیتی، انرژی، تجارت و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای را در چارچوبی پایدار نهادینه کند.

در این میان، نقش عربستان در شورای همکاری خلیج فارس به‌مراتب فراتر از سایر اعضاست و همین جایگاه، وزن دیپلماتیک ریاض را در مناسبات با تهران افزایش می‌دهد. مواضع عربستان در قبال رژیم اسرائیل نیز جایگاهی ویژه دارد. ریاض برخلاف امارات و بحرین به پیمان ابراهیم نپیوسته و همواره تأکید کرده که بدون تشکیل کشور مستقل فلسطین، عادی‌سازی امکان‌پذیر نیست. همین رویکرد عملا زمینه‌هایی از همسویی با تهران ایجاد کرده؛ هرچند اختلافاتی همچنان پابرجاست اما روند بهبود روابط با سرعت در حال پیگیری است. یا در سوی مقابل، ایران نیز با نفوذ گسترده‌اش در یمن می‌تواند در ایجاد صلح پایدار میان حوثی‌ها و عربستان نقش‌آفرینی کند؛ نقشی که در صورت مدیریت حرفه‌ای می‌تواند ضمن کاهش تنش‌های امنیتی، امتیازات سیاسی گسترده‌ای برای تهران فراهم کند.

اما هیچ‌یک از این تحولات از معادله آمریکا جدا نیست. رابطه ویژه محمد بن‌سلمان و دونالد ترامپ، از زمان حضور ترامپ در کاخ سفید، یکی از ستون‌های اصلی سیاست خارجی عربستان بوده است. همین رابطه است که احتمال نقش‌آفرینی ریاض در میانجیگری میان ایران و آمریکا را افزایش می‌دهد. اگر تهران بتواند با هوشمندی فضای جدید را مدیریت کند و نقش عربستان را به‌عنوان تسهیل‌کننده گفت‌وگوهای غیرمستقیم بپذیرد، ممکن است مسیر مذاکرات هسته‌ای که متوقف مانده، دوباره گشوده شود. مداخله مثبت عربستان می‌تواند در گره‌های کور مذاکرات که گاهی در فضای بی‌اعتمادی کامل از بین می‌روند، نقش‌آفرینی کند.

فضای منطقه اکنون بیش از هر زمانی مهیا برای شکل‌گیری یک صلح پایدار است؛ صلحی که اگرچه تصمیم اصلی آن در دست تهران و واشنگتن است، اما بدون همراهی بازیگران کلیدی منطقه، ازجمله عربستان، به نتیجه نخواهد رسید. در نهایت، پیام مکتوب پزشکیان به بن‌سلمان، هرچند در ظاهر در چارچوب مناسک حج تعریف شده، اما در واقع در تقاطع مهم‌ترین معادلات سیاست خارجی ایران قرار می‌گیرد. این پیام، بخشی از همان فرایند آرام، تدریجی و زیرپوستی است که روابط دو کشور را از مرحله «رفع تنش» به مرحله «اعتمادسازی» و شاید در آینده به مرحله «همکاری استراتژیک» سوق می‌دهد. اکنون بیش از هر زمانی روشن است که آینده امنیت خاورمیانه نه از مسیر رقابت‌های فرسایشی، بلکه از مسیر دیپلماسی سازنده و گفت‌وگوهای صبورانه تهران و ریاض خواهد گذشت.

بازخوانی سناریوی پاناما در سایه بحران ونزوئلا

محسن شریف‌خدائی
تحلیلگر روابط بین‌الملل

در دریای کارائیب، صدای موتور ناوهای جنگی آمریکا با غرش بمب‌افکن‌های B-52 در آسمان در هم آمیخته است. در سواحل ونزوئلا، قایق‌هایی که مظنون به حمل مواد مخدر هستند، یکی پس از دیگری هدف قرار می‌گیرند. تاکنون بیش از ده‌ها نفر در این حملات کشته شده‌اند؛ حملاتی که واشنگتن آنها را بخشی از «جنگ علیه نارکوتروریسم» می‌نامد، اما نهادهای حقوق‌بشری آن را «قتل‌های فراقانونی» می‌دانند. هم‌زمان، زمزمه‌هایی از تکرار سناریوی پاناما در سال ۱۹۸۹ به گوش می‌رسد؛ زمانی که آمریکا با حمله‌ای برق‌آسا، مانوئل نوریگا، دیکتاتور پاناما را سرنگون کرد. اکنون برخی در واشنگتن، ازجمله مشاوران امنیتی و چهره‌های نزدیک به دولت ترامپ، این تجربه را الگویی برای تغییر رژیم در کاراکاس می‌دانند. اما آیا تاریخ در حال تکرار است؟ و مهم‌تر از آن، آیا مداخله نظامی می‌تواند دموکراسی را به ونزوئلا بازگرداند؟ مقایسه میان پاناما دهه ۸۰ میلادی و ونزوئلای امروز، اگرچه در نگاه نخست وسوسه‌انگیز است، اما در واقع نوعی ساده‌سازی خطرناک و نوستالژیک است. پاناما کشوری کوچک با ارتشی ضعیف و وابستگی شدید به کانال پاناما بود؛ درحالی‌که ونزوئلا کشوری بزرگ، نفت‌خیز، با ساختار نظامی پیچیده، شبه‌نظامیان وفادار و روابط گسترده با قدرت‌های جهانی همچون روسیه، چین و ایران است.

در همین راستا، دولت مادورو با اجرای رزمایش گسترده‌ای تحت عنوان «طرح استقلال ۲۰۰» که نمادی از آمادگی ملی در برابر تهدیدات خارجی است، تلاش کرده پیام روشنی از مقاومت و انسجام داخلی به آمریکا و جهان ارسال کند. در این چارچوب، هرگونه مداخله نظامی در ونزوئلا، نه‌تنها با مقاومت داخلی مواجه خواهد شد، بلکه می‌تواند به یک ضدشورش فرسایشی، بحران انسانی و بی‌ثباتی منطقه‌ای گسترده منجر شود. در ماه‌های اخیر، ایالات متحده مجموعه‌ای از عملیات‌های نظامی را در اطراف ونزوئلا آغاز کرده؛ ازجمله این اقدامات، حملات دریایی به قایق‌های مظنون به قاچاق مواد مخدر بوده که تاکنون به مرگ بیش از ۷۶ نفر انجامیده است. دولت آمریکا این اقدامات را بخشی از «جنگ علیه نارکوتروریسم» معرفی کرده و مدعی شده که هدف آنها، مختل‌سازی شبکه‌های قاچاق به ایالات متحده بوده است. بااین‌حال، تصاویر منتشرشده از حملات و اظهارات رسمی کاخ سفید مبنی بر «شناسایی مثبت اهداف» و «ضربات قاطع»، موجب نگرانی‌های گسترده شده است. سازمان دیده‌بان حقوق بشر این حملات را «قتل‌های فراقانونی» خوانده و کارشناسان سازمان ملل هشدار داده‌اند که «هیچ دولتی حق ندارد مظنونان را بدون محاکمه و در خارج از قلمرو قضائی خود به قتل برساند». دولت ونزوئلا نیز این حملات را «نقض آشکار حاکمیت ملی» آن کشور دانسته و خواستار واکنش بین‌المللی در این زمینه شده است.

در سطح جهانی، واکنش‌ها به تحرکات آمریکا دوگانه بوده‌اند. روسیه و چین، ضمن محکوم‌کردن اقدامات واشنگتن، خواستار احترام به حاکمیت ملی ونزوئلا شده‌اند. ایران نیز با هشدار نسبت به پیامدهای منطقه‌ای، از حق دفاع مشروع دولت مادورو حمایت کرده است. در آمریکای لاتین، کشورهای عضو CELAC -جامعه کشورهای آمریکای لاتین و حوزه کارائیب- و ALBA -ائتلاف بولیواری برای ملل آمریکایی- مانند کوبا، بولیوی، نیکاراگوئه و برخی دیگر، این تحرکات را بازگشت به سیاست‌های مداخله‌گرایانه قرن بیستم دانسته‌اند. در مقابل، برخی دولت‌های محافظه‌کار منطقه، موضعی محتاطانه اتخاذ کرده و خواستار حل بحران از طریق دیپلماسی شده‌اند. اتحادیه اروپا نیز با ابراز نگرانی از تشدید تنش‌ها، تأکید کرده که «دموکراسی با بمب‌افکن حاصل نمی‌شود». در این میان، ماریا کورینا ماچادو، رهبر اپوزیسیون ونزوئلا که اخیرا جایزه صلح نوبل را دریافت کرده، از آمریکا درخواست کمک کرده تا با آنچه «جنگ مادورو» می‌نامد، مقابله کند. اما تحلیلگران هشدار می‌دهند که هرگونه حمایت نظامی خارجی، نه‌تنها مشروعیت اپوزیسیون را تضعیف خواهد کرد، بلکه می‌تواند به جنگ داخلی، بحران مهاجرتی و تضعیف نهادهای دموکراتیک منجر شود. تجربه‌های پیشین نشان داده‌اند که دموکراسی محصول فرایندهای داخلی، مشارکت مردمی و اصلاحات تدریجی است، نه نتیجه حملات نظامی و تغییر رژیم از بیرون. در همین حال، در داخل ایالات متحده نیز اجماع سیاسی درباره اقدام نظامی علیه ونزوئلا وجود ندارد. تلاش گروهی از سناتورها برای محدودکردن اختیارات رئیس‌جمهور در زمینه آغاز عملیات نظامی بدون مجوز کنگره، با اختلافی اندک در سنا شکست خورد. این طرح که با هدف الزام دولت به کسب مجوز پیش از هرگونه حمله ارائه شده بود، نشان‌دهنده نگرانی فزاینده در میان قانون‌گذاران درباره ورود به درگیری نظامی بدون نظارت دموکراتیک است. اگرچه رئیس‌جمهور طبق قانون اختیارات جنگی می‌تواند در شرایط اضطراری اقداماتی محدود انجام دهد، اما برای عملیات گسترده یا جنگ تمام‌عیار، نیاز به تأیید رسمی کنگره دارد. این شکاف در واشنگتن، نه‌تنها مشروعیت داخلی تصمیم‌گیری‌های امنیتی را زیر سؤال می‌برد، بلکه پیام روشنی به جامعه جهانی می‌فرستد: «حتی در درون ساختار قدرت آمریکا، درباره مداخله نظامی در ونزوئلا توافق یکدستی وجود ندارد. برخی سناتورها هشدار داده‌اند که چنین اقدامی می‌تواند آمریکا را وارد جنگی پرهزینه و بی‌پایان کند، بدون آنکه مردم یا نمایندگان‌شان در آن نقشی داشته باشند».

در نهایت، بازخوانی سناریوی پاناما نه‌تنها کمکی به حل بحران ونزوئلا نمی‌کند، بلکه می‌تواند موجب تصمیمات شتاب‌زده و پرهزینه شود. مداخله نظامی، اگرچه در ظاهر راه‌حلی سریع به نظر می‌رسد، اما در عمل می‌تواند به یک بحران چندلایه و گسترده تبدیل شود که پیامدهای آن فراتر از مرزهای ونزوئلا تأثیر خواهد داشت. از بی‌ثباتی منطقه‌ای گرفته تا تضعیف اعتبار آمریکا در عرصه حقوق بشر و نظم بین‌الملل و حتی شکاف داخلی در ساختار سیاسی واشنگتن، همه نشان می‌دهند که مسیر مداخله، مسیری پرخطر و غیرقابل پیش‌بینی است. جهان امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند بازگشت به دیپلماسی، احترام به حاکمیت ملی و تقویت نهادهای منطقه‌ای برای حل بحران‌هاست. توهم حمله، اگر به سیاست تبدیل شود، پیامدهایی خواهد داشت که نه‌تنها ونزوئلا، بلکه کل آمریکای لاتین و فراتر از آن را درگیر خواهد کرد. مشروعیت سیاسی، نه با اسلحه و تسلیحات نظامی پیشرفته، بلکه با گفت‌وگو، اصلاحات و مشارکت مردمی ساخته می‌شود و شکل می‌گیرد. بازخوانی سناریوی پاناما نه به‌عنوان الگو، بلکه به‌عنوان هشدار در حافظه تاریخی باقی خواهد ماند.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت و گاز پارس

تجدید آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی
مناقصه شماره WSD- 0310534
با شماره فراخوان ستاد ۲۰۰۴۰۰۱۰۳۴۰۰۰۱۲۳
شناسه آگهی ۲۰۴۹۵۳۴
نوبت دوم

شرکت نفت و گاز پارس در نظر دارد **خرید ۸۷۳ عدد صندلی اداری** مورد نیاز خود را با برگزاری مناقصه عمومی دومرحله‌ای طبق شرایط زیر از طریق یک شرکت واجد صلاحیت تأمین نماید.
شرایط و مدارک لازم جهت دریافت استعلام ارزیابی کیفی:
الف) داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع کار
ب) اساسنامه، اظهارنامه ثبت شرکت و آخرین آگهی تغییرات (مندرج در روزنامه رسمی)
ج) ارائه کد اقتصادی، شناسه ملی
از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت می‌گردد بلافاصله پس از چاپ آگهی اول و حداکثر ۳ (سه) روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم تا پایان ساعت اداری، به نشانی اینترنتی WWW.SETADIRAN.IR قسمت سامانه مناقصات مراجعه نموده و پس از اخذ کد کاربری و رمز عبور نسبت به دریافت اسناد اقدام نمایند.
کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت انجام خواهد شد.
لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد.
- **کالای مورد درخواست وفق مشخصات فنی می بایست از سازندگان داخلی پیشنهاد و تامین گردد.**
- نظر به اینکه به استناد بخشنامه معاون محترم مهندسی، پژوهش و فناوری وزارت نفت، به شماره ۱۴۰۰/۲۵۲۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۵ تامین اقلام تخصصی در کلیه معاملات (اعم از مناقصه عمومی و محدود و....)، لازم است صرفاً از سازندگان مندرج در فهرست بلند سامانه منابع واحد دستگاه مرکزی وزارت نفت (AVL) صورت پذیرد و در مواردی که برای کالا و تجهیزات یاد شده سازنده داخلی و جود ندارد و تامین از خارج صورت می پذیرد، مطابق قوانین و مقررات مرتبط و با صرفه و صلاح شرکت اقدام گردد.
- **آخرین مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی:** دو هفته پس از آخرین مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی در سامانه مذکور بارگذاری نمایند.
- **تاریخ و محل تحویل اسناد مناقصه:** متعاقبا به اطلاع واجدین شرایط خواهد رسید
- **آخرین مهلت تحویل پیشنهاد و تاریخ گشایش پیشنهادها:** طبق تاریخ های مندرج در اسناد مناقصه.
- **لازم به ذکر است پیشنهادهای ارائه شده توسط مناقصه‌گران می‌بایست حداقل تا ۳ ماه از تاریخ تحویل پیشنهاد مالی معتبر باشد.**
در صورت نیاز به اطلاعات درخصوص بارگزاری مستندات در سامانه ستاد، متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن ۵ و ۸۳۷۶۲۶۰۴-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.
در صورت داشتن سوال درخصوص اسناد استعلام ارزیابی کیفی و نحوه تکمیل آن، متقاضیان می‌توانند نسبت به ارسال نامه به شماره نمابر ۸۸۹۵۵۰۵۷-۰۲۱ اقدام نمایند.
- **اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:**
مرکز تماس: ۱۴۵۶-۰۲۱
شرکت نفت و گاز پارس
روابط عمومی

پست بانک ایران

سرکار خانم حوا یوسفی مالدهی
کارمند مدیریت شعب پست بانک استان قزوین
نظر به اینکه پرونده شما تحت اتهام غیبت غیرموجه بصورت متوالی در شعب اول هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مطرح و به موجب رای قابل پژوهش شماره ۹۸۹۰/۷۸۸۳ مورخ ۱۴۰۴/۷/۲۹ به مجازات اخراج از دستگاه متبوع محکوم گردیده اید.
لذا مقتضی است حداکثر ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ نشر این آگهی، درخواست تجدیدنظر خواهی خود را به انضمام مدارک لازم به نشانی: تهران، خیابان بهشتی، خیابان قائم مقام فراهانی، ابتدای کوچه عرفان ساختمان آموزش پست بانک ایران، اداره کل سرمایه انسانی و رفاه تسلیم نمایید. بدیهیست در غیر این صورت به استناد تبصره ۱ ماده ۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری این رای از تاریخ انقضا مهلت مذکور لازم الاجرا خواهد بود.
م الف ۳۱۰۶ شناسه آگهی ۲۰۴۹۹۵۳